



عنوان:

بررسی قوانین حمایتی ناظر بر خانواده و خلائای حقوقی و قانونی

در حوزه زنان و خانواده

نگارش:

زینب اصلانی

زمستان ۱۴۰۰

تقدیم به

پیشگاه مقدّس حضرت ولی عصر، مهدی موعود (عج) که با ظهورش بشریّت نجات پیدا

خواهد کرد.

## سپاسگزاری

بعد از حمد و ستایش خداوند منان ، سپاسگزاری می کنم از زحمات کلیه اساتید گرانمایه که  
گوهرهای ناب دانش را بر من ارزانی داشته اند.

سپاس و امتنان وافر از کلیه کسانی که به هر نحو در انجام این پژوهش همیار و همراهم بودند.

## چکیده

زنان به عنوان عضوی از اعضای نهاد خانواده، برخوردار از یکسری حقوق و تکالیف می‌شوند. اگرچه در گذشته نسبت به حقوق زنان در نهاد خانواده توجه مناسب و درخور شخصیت والای زنان صورت نمی‌پذیرفت، لکن در این برهه زمانی به سبب مطالبات و مبارزات گسترده زنان و جنبش‌های مدافع حقوق زنان، مسأله حمایت از حقوق زنان از رشد و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نسبت به گذشته برخوردار گشته است. دین مبین اسلام به عنوان کامل‌ترین ادیان، نسبت به زن که در طول تاریخ و جوامع بشری از حقوق طبیعی و انسانی خود محروم شده بود، استقلال و شخصیت حقیقی و حقوقی بخشید و حقوق حقه و طبیعی او در نهاد خانواده به رسمیت شناخت. از جمله قوانینی که بطور خاص درخصوص حمایت از زنان در نهاد خانواده مورد تدوین و تصویب قرار گرفته‌اند، می‌توان به قوانین حمایت خانواده سال‌های ۶۶، ۵۳ و ۹۱ اشاره نمود. هر کدام از قوانین مزبور در حوزه صیانت از حقوق زنان در نهاد خانواده توانسته‌اند نوآوری‌هایی را به ارمغان بیاورند. قانون حمایت خانواده سال ۵۳ علیرغم نوآوری‌هایی که متضمن صیانت بیشتر از حقوق زنان در نهاد خانواده بود، به دلیل وجود نواقص و چالش‌های موجود نتوانست حمایت موثری از زنان در نهاد خانواده به عمل آورد. تا اینکه قانونگذار در سال ۹۱ با تصویب قانون جدید حمایت خانواده توانست روند رو به رشد صیانت از حقوق زنان در نهاد خانواده را انسجام و سرعت بیشتری بخشد. اگرچه قانون جدید حمایت خانواده در حوزه‌هایی دچار نواقص و خلاءهای حقوقی می‌باشد، اما در مقام مقایسه با قوانین گذشته توانسته است جنبه‌های بیشتری از حقوق زنان را مورد صیانت و حمایت خود قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** قوانین حمایتی، خلاءهای قانونی، حقوق خانواده، زن

## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران، به عنوان عرصه تلاقی اسلام و قوانین مدرن، خانواده را واحد بنیادین جامعه و نهادی مقدس می‌داند و به همین لحاظ می‌کوشد از آن حمایت کند. در اصل دهم قانون اساسی آمده است: «همه قوانین و مقررات و و برنامه‌ریزی‌های مربوط به خانواده باید در جهت آسان کردن تشکیل آن، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.» تعدد سیاست‌ها، قوانین و لوایحی که در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با نهاد خانواده ارائه شده اند شاهدی بر این مدعاست. البته باید در نظر داشت طرح حقوق زنان، اگر فارغ از طرح تکالیف، تعهدات آنگونه که مطلوب قانون اساسی است، مورد نظر باشد بحثی ناتمام و ناکارآمد است. از سوی دیگر، استفاده از تئوری‌های شهروندی به عنوان ابزار توصیف و تفسیر قانون اساسی، امکان درکی متوازن از حقوق و تعهدات زنان در منطق قانون اساسی را نیز فراهم می‌گرداند و مهم ترین نکته در این بین بی شک طرح بحث پیرامون «حقوق شهروندی» است. مجموعه مطالباتی را که زنان می‌توانند با تکیه بر قانون اساسی به عنوان شهروندان ایرانی پیگیری نمایند، به عنوان حقوق شهروندی زنان قابل شناسایی است.

## الف- بیان مساله

بررسی سیاست‌های حقوقی حاکی از به رسمیت شناخته شدن تدریجی تحولات نهاد خانواده است؛ یافته ای که استقلال نسبی حوزه حقوقی از حوزه اقدام دولتی را نشان می‌دهد و می‌توان آن را نتیجه ارتباط مستمر حیطه‌ی حقوقی با مسائل عینی و انضمامی خانواده‌های امروزی در ایران دانست. شکل‌گیری چالش‌های حقوقی میان واقعیات اجتماعی موجود با الگوهای حفظ اشکال سنتی نهاد خانواده ناکارآمدی برخی از این قوانین و تناسب آنها با واقعیات جامعه را نشان می‌دهد. حمایت از جنسیت زن، به دلیل تفاوت در ساختار طبیعی آفرینش

او در حکم استثنا بر اصل برابری، در اغلب نظام‌های کیفری کشورها پذیرفته شده است. به نظر می‌رسد زن بودن متهم معیاری برای کاهش مجازات وی از جانب مراجع قضایی است که نوعی تبعیض مثبت و حمایتی را در حق وی اعمال می‌کنند. همچنین در کنار عوامل زیست شناختی نظیر سن بزه دیده، که اغلب اطفال و سالمندان را آسیب‌پذیر می‌کند، جنسیت زنان نیز به منزله معیاری افزایشی در تعیین مجازات متهمان به دلیل آسیب پذیری بیش تر آنان نقش دارد، متهمانی که قربانیان خود را به دلیل شرایط و ضعف جسمی زنان از میان این قشر برمی‌گزینند.

به عنوان مثالی برای ناکارآمدی: هر فرد ایرانی اعم از زن و مرد به موجب اصول قانون اساسی دارای حق تحصیل، حق اشتغال و انتخاب شغل و حق تعیین محل سکونت است. هیچ‌کس نمی‌تواند معترض چنین حقوقی شود؛ ظاهراً این حقوق تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند تضییع شود و حق مسلم، اساسی و حق شهروندی هر فرد ایرانی است، اما در قوانین موضوعه از جمله قانون مدنی زمانی که دختری ازدواج می‌کند این حقوق مانند حق اشتغال، تحصیل، حق خروج از خانه و کشور، حق سفر، تحت شرایطی می‌تواند از سوی شوهر محدود شود. البته در خصوص حق اشتغال، این ممانعت مطلق نیست زیرا در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی اینطور پیش‌بینی شده است که اگر اشتغال زوجه بنا به ادعای زوج، منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت شوهر یا زن باشد ممانعت قضایی با حکم دادگاه بر ادامه اشتغال زن صادر می‌شود. این محدودیت اشتغال در حالیکه نه تنها در اصول قانون اساسی وجود ندارد، بلکه در آیه شریفه ۳۲ سوره نساء بر کسب و کار زن نیز صحه گذاشته شده است. توجه به سیاست‌گذاری‌های حمایتی دولتی خاصه سیاست‌گذاری عمومی، نمایانگر این است که این امر ناشی از عدم تکاپوی « قانون » برای تأمین اهداف و مقاصدی است که حکومت‌ها تعریف کرده و در صدد

دستیابی به آنها هستند. با عنایت به اینکه میان تعداد قوانین مصوب و سایر متون سیاستی تفاوتی فاحش وجود دارد می‌توان آن را دال بر خلاء یا نهایتاً ضعف سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده در ایران دانست.

### ب- سوابق و پیشینه تحقیق

-نخستین سابقه تحقیق نص قرآن کریم است که به تکالیف اعضای خانواده در قبال یکدیگر پرداخته و سپس سیره نبوی و روایات ائمه معصومین در تبیین نص قرآن و تعیین حقوق و تکالیف است که روشنگر این تحقیق خواهد بود. مواد قانونی قانون مدنی و کیفری ایران و قانون حمایت از خانواده سرمنشا عمده تحقیقات نظری در این حوزه هستند. یکی از نخستین آثار ارزشمند در این راستا کتاب نظام حقوق زن در اسلام اثر علامه مرتضی مطهری است.

-دیگر اثر ارزشمند در این حوزه کتاب «حقوق زن از دیدگاه قرآن کریم» نوشته محمد بیستونی می‌باشد. کتاب حقوق زنان در ایران اثر مهدی قرائتی نیز از نخستین آثار مطرح در حوزه حقوق زنان است.

-صادقی تهرانی در کتاب نگرشی جدید بر حقوق بانوان در اسلام، حقوق زنان را با توجه به شرایط اجتماعی آنان مورد تجزیه و تحلیل علمی، فقهی و قرآنی قرار می‌دهد و با استدلال‌های قرآنی به اثبات حقوق زنان می‌پردازد.

کتاب تاثیر بزه دیده شناسی در رفع خشونت علیه زنان نوشته‌ی مریم اجتنابی، به بررسی راهکارهایی برای اجرای صحیح قواعد اسلامی در برخورد با زنانی که نیاز بیشتری به حمایت در جامعه دارند، می‌پردازد.

### ج- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

زنان گروهی از جمعیت کشور را شامل می‌شوند که از آنها به عنوان اساس و بنیاد خانواده نام برده می‌شود، گروهی که گفته می‌شود باید از بسیاری حقوق خود در شرع و قانون و عرف مطلع و برخوردار

گردند تا بتوان از بنیان خانواده در برابر هجمه‌ها و آسیب‌ها محافظت کرد در چنین شرایطی اگرچه فضای محاکم قضایی ما به گونه‌ای است که باید دادگاه ویژه برای رسیدگی به امور خانواده فراگیرتر و دارای اختیارات بیشتر شود چراکه قوانین مختلفی در حوزه ازدواج، طلاق، مهریه و غیره وجود دارد که زنان و همسران از آن بی‌خبرند و از طرفی قوانین موجود باید در راستای تحولات اجتماعی و پژوهش‌های علمی و یافته‌های حقوقی در جهت پر کردن خلاءها و صیانت از کیان خانواده و حمایت از مادران و همسران تحول یابد. در طراحی مقررات حاکم بر خانواده، در حکم مهم‌ترین نهاد جامعه، قانون‌گذار باید به مصالح گوناگون اجتماعی، خانوادگی و فردی توجه داشته باشد و در سازش میان آن‌ها بکوشد. در این میان، مقررات شکلی ناظر بر رسیدگی به دعاوی خانوادگی و نیز اجرای احکام صادرشده از دادگاه حائز اهمیت ویژه است؛ زیرا شایسته یا نامطلوب بودن مقررات حاکم بر مرجع رسیدگی‌کننده و شیوه رسیدگی در میزان اختلافات خانوادگی تأثیر مستقیم دارد. همچنین شرایط و نحوه اجرای احکام دعاوی خانوادگی و ضمانت اجرای پیش‌بینی شده برای آن در پیش‌گیری از تبعات اجتماعی ناشی از اجرای احکام مزبور یا ایجاد معضلات اجتماعی تأثیر دارد. این نکته قابل تأمل است که بررسی سیاست‌های حقوقی حاکی از به رسمیت شناخته شدن تدریجی تحولات نهاد خانواده است؛ یافته‌ای که استقلال نسبی حوزه حقوقی از حوزه اقدام دولتی را نشان می‌دهد و می‌توان آن را نتیجه ارتباط مستمر حیطه حقوقی با مسائل عینی و انضمامی خانواده‌های امروزی در ایران دانست. شکل‌گیری چالش‌های حقوقی میان واقعیات اجتماعی موجود با الگوهای حفظ اشکال سنتی نهاد خانواده ناکارآمدی برخی از این قوانین و عدم تناسب آن‌ها با واقعیات جامعه را نشان می‌دهد.

شناخت قوانین حمایتی ناظر بر خانواده به ویژه در حوزه زنان موجب می‌شود که بانوان با اطلاع از حق و حقوق قانونی خود موجب برقراری هرچه بهتر عدالت و اثر بخشی آن در ایجاد امنیت روانی در خانواده



باشند. همچنین شناخت خلاءهای قانونی موجود در این زمینه نیز ما را به هموار سازی مسیر رفع نواقص و بهبود قوانین و مقررات جاری کشور رهنمون خواهد شد. و در نهایت موضوع زنان به منزله ی موضوع نیم نهادی و اساس بنیاد خانواده در اجتماع که بیش از پیش با تحولات روزآمد دچار تحول و چالش گردیده چه بسا مهمترین مساله حال و آینده جامعه ایران و شاید جهان باشد.

#### د- سوالات یا فرضیات تحقیق

سوال اصلی: خلاء های قوانین حمایتی ناظر بر حوزه زنان و خانواده در نظام حقوقی ایران کدام

اند؟

سوالات فرعی:

- ۱- قوانین حمایتی ناظر بر خانواده شامل کدام عناوین هستند؟
- ۲- جایگاه حمایت از زنان و خانواده در فقه و حقوق اسلامی چگونه است؟
- ۳- نقش قوانین حمایتی در اصلاح مشکلات فردی و اجتماعی زنان در حوزه

خانواده چیست؟

- ۴- خلاءهای موجود در قوانین حمایتی ناظر بر حوزه زنان و خانواده شامل کدام

مواردند؟

- ۵- راهکارهای بر طرف کردن خلاء های موجود در قوانین حمایت از خانواده

کدام اند؟

## ه- اهداف تحقیق

اعطای یک دید جامع پیرامون قوانین موجود و نقش حمایتی آنها و بررسی خلاء های موجود از اهداف

این تحقیق به شمار می‌رود.

## و- مبانی نظری

آیات قرآن کریم به عنوان اصلی ترین مبنا در این زمینه به تکالیف اعضای خانواده در قبال یکدیگر پرداخته و سپس سیره نبوی و روایات ائمه معصومین در تبیین نص قرآن و تعیین حقوق و تکالیف است که روشنگر این تحقیق خواهد بود. مواد قانونی قانون مدنی و کیفری ایران و قانون حمایت از خانواده سرمنشا عمده تحقیقات نظری در این حوزه هستند.

از آنجا که حقوق زنان در مواردی، چنان‌که شایسته است پاس داشته نمی‌شود «نظام حقوق زن و خانواده» یکی از موضوعاتی است که در جامعه ما باید همواره مورد تحقیق قرار گیرد و همان‌گونه که رهبر نظام فرموده‌اند، حرکتی اساسی در جهت احقاق حقوق زنان در جامعه اسلامی صورت گیرد ولی این حرکت باید بر مبنای اسلامی بنا شده و هدف اسلامی داشته باشد و نباید از نظر دور داشت که پاره‌ای به آنچه تعالیم اسلامی دربردارد، تجاهل می‌کنند و خواهان تقلید و تطبیق با غرب هستند و هر آن چه را از دین، درباره حقوق خانواده و زن وارد شده، کهنه و ناشی از شرایط خاص مکه و مدینه بیش از هزار سال پیش می‌انگارند غافل از محرومیتی که جامعه غربی دچار آن بوده و برای رهایی از آن، تلاش‌هایی در غرب کرده‌اند که به نتیجه‌ای جز تفریط از سوی دیگر نرسیدند. (میرخلیلی، ۱۳۷۸ : ۵۴) جوامع غربی از افراط به تفریط می‌گیرند و بعد از قرن‌ها محرومیت اجتماعی بسیار زیاد زنان بدون در نظر داشتن تفاوت‌ها و توانایی‌های روحی و جسمی زن و مرد، شعار آزادی و برابری سر می‌دهند و هر گونه اختلاف حقوقی را امتیازی برای مرد و تضعیف حقوق زن می‌پندارند. در خصوص روابط

خانوادگی دو فرض وجود دارد؛ یکی اینکه فقط مزایای اکتسابی سبب می شود که در خانواده یکی رئیس و یکی مرئوس، یکی مطیع و دیگری مطاع و... باشد. زن بودن یا شوهر بودن، پدر یا مادر بودن و فرزند بودن نیز سبب نمی شود که هر کدام وضع مخصوص به خود داشته باشند، فقط مزایایی اکتسابی می تواند وضع آنها را نسبت به یکدیگر معین کند. فرضیه «تشابه حقوق زن و مرد در حقوق خانوادگی» که به غلط نام تساوی به آن داده اند مبتنی بر همین فرض است. طبق این فرضیه زن و مرد با استعدادها و احتیاجات مشابه و با سندهای حقوقی مشابهی که از طبیعت در دست دارند در زندگی خانوادگی شرکت می کنند، پس باید حقوق خانوادگی بر اساس یکسانی و همانندی و تشابه تنظیم شود. فرض دیگر این است که خیر، حقوق طبیعی اولیه آنها نیز متفاوت است، شوهر بودن از آن جهت که شوهر بودن است وظایف و حقوق خاصی را ایجاب می کند و زن بودن از آن جهت که زن بودن است وظایف و حقوق دیگری ایجاب می کند همچنین است پدر یا مادر بودن و فرزند بودن و به هر حال اجتماع خانوادگی با سایر شرکتها و همکاری های اجتماعی متفاوت است. فرضیه «عدم تشابه حقوق خانوادگی زن و مرد» که اسلام آن را پذیرفته مبتنی بر این اصل است (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۴۷).

محمد صادق تهرانی در کتاب **نگرشی جدید بر حقوق بانوان در اسلام** «با بررسی دقیق و منصفانه در قرآن در می یابید که اصولاً زن و مرد هر یک جزیی از دیگری و در انسانیت برابرند. دیدگاه قرآن درباره ی زن، نه مانند جاهلیت گذشته است که انسانش نمی دانست و نه مانند جاهلیت کنونی که او را برتر از مرد می انگارد، بلکه هر دو اعضای یک پیکرند که در آغاز آفرینش ز یک گوهرند.» (تهرانی، ۱۳۹۲: ۱۸).

### ز- روش تحقیق

عمده ی این پژوهش به روش تحلیلی توصیفی به صورت کتابخانه ای است. اما علاوه بر روش فوق مراجعه به سازمان های مرتبط نظیر دادگاه های خانواده و مراکز مشاوره، بهزیستی و ... و یا نظر خواهی از نهادهای

دخیل و بهره مندی از دیدگاه های آنها مقوم روش اصلی پژوهش خواهد بود. همچنین مصاحبه با صاحب نظران و نظریه پردازان این حوزه و بررسی موردی تاثیر قوانین بر پرونده های حقوقی و کیفری جاری در مراجع قضایی و حقوقی از دیگر راه های گردآوری اطلاعات خواهد بود.

### ح- ابزارهای پژوهش

کتابها و مقالات مرتبط با این حوزه

جمع آوری نظرات اندیشمندان و قانونگذاران

مصاحبه ها با مجریان قانون و وکلا و قضات

مصاحبه با کارشناسان و آسیب شناسان

مصاحبه با موضوع تحقیق یعنی زنان و خانواده های آسیب دیده

بررسی پرونده های حقوقی و کیفری موردی

## ۱- کلیات

در این پژوهش به توضیح مباحثی از جمله حقوق زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه زنان در قانون حمایت از خانواده با رویکرد حقوق بشر، سیاست‌گذاری حمایتی و دیگر موارد پرداخته می‌شود.

### ۱-۱- حقوق زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیانگر نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و موازین اسلامی است. اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را تامین نماید. همچنین برای رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای زن و مرد در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تاکید دارد. در این اصل بر مشارکت زنان در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش اشاره شده و تسهیل و تعمیم آموزش عالی و آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای همه چه زن و مرد در تمام سطوح را از وظایف دولت محسوب نموده است. در اصل بیستم قانون اساسی همه افراد اعم از زن و مرد به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند. اصل بیست و یکم قانون اساسی دولت را موظف نموده است که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید. همچنین ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی سرلوحه وظایف دولت است، حمایت از مادران علی‌الخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و پشتیبانی از کودکان بی سرپرست وظیفه دیگری است که برعهده دولت می‌باشد (نکویی مهر و حسینی فر، ۱۳۹۷: ۲۰۲).

### ۱-۲- جایگاه زنان در قانون حمایت از خانواده با رویکرد حقوق بشر

ستم‌ها و ناروایی‌هایی که بر جامعه زنان تحمیل شد قانونگذاران بین المللی و داخلی را به سوی وضع قوانین و مقرراتی برای جلوگیری از این ستم‌ها و حمایت از حقوق زن در تمامی زمینه‌ها سوق داده است. برخلاف نهضت‌های طرفدار تساوی کامل حقوق زنان و مردان، سیستم حقوقی اسلام و به پیروی آن نظام حقوقی ایران، خانواده را بعنوان یکی از مهمترین و اساسی ترین نهادهای اجتماعی مورد توجه قرار داده است (افروز، ۱۳۹۶: ۵۹).

علاوه بر آن، نهاد خانواده در نظام حقوقی ایران و اسلام از جایگاه ممتازی برخوردار است و به همین جهت هر نوع تغییر و تحولی در قوانین مرتبط با آن از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. از سوی دیگر باتوجه به حساس بودن نهاد خانواده در تغییر و اصلاح قوانین باید با بررسی همه جانبه آثار و تبعات ناشی از تغییرات تلاش کرد که این تغییرات اثرات سوئی بر این نهاد مهم نگذارد. بررسی قوانین حمایت از خانواده بیانگر این مطلب است که قانونگذار متناسب با نیازهای جدید جامعه و برای جلوگیری از اختلاف و تنش در روابط زناشویی اقدام به تصویب آن نموده و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ حاوی نکات مثبتی است که در مقایسه با دو قانون قبل، پویاتر است (همان، ۱۰۳).

## ۲- سیاست‌گذاری حمایتی

سیاست‌گذاری عمومی شامل بر هدف‌گذاری‌ها و اقداماتی می‌باشد که از سمت دولت و دیگر ارکان حکومتی در محدوده‌های فراتر از ظرفیت ساختارهای موجود انجام می‌پذیرد. به دیگر سخن، زمانی که ساختارهای موجود ظرفیت لازم را برای تاثیر گذاری‌های مورد نظر نداشته باشند، دولت‌ها و حکومت‌ها وارد عرصه سیاست‌گذاری می‌شوند و این ورود به این مفهوم نیست که بایستی منافع عامه مردم نیز محقق شود. سیاست‌گذاری را به این دلیل که تحلیل سیاست حاکمیت را جایگزین تحلیل سیاسی می‌کند، بایستی از دانش سیاسی جدا گردند. همچنین،

سیاست‌هایی که در راستای حمایت از نهاد خانواده محقق می‌شوند بایستی از عقلانیتی برخوردار شوند که طبق جوانب مختلف این نهاد اجتماعی است. خانواده، خاصه در کشوری اسلامی، وجهی دینی دارد که آن را می‌بایست به قدر وجوه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی محترم شمرد و مورد مطالعه قرار داد. کار تحلیل سیاست عمومی، در قبال سیاست‌های اجرا شده یا در حال اجرا، می‌تواند شامل شناسایی مهم‌ترین شاکله‌ها، مضامین و گونه‌شناسی - هایی باشد که در به وجود آمدن متن سیاست‌ها نقش داشته باشند (حسینی و عزیزی، ۱۳۹۵: ۱۰-۹).

## ۲-۱- حمایت اقتصادی از زوجه در قانون حمایت از خانواده

قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ به جهت سامان بخشی به مقررات مربوط به نهاد خانواده تصویب گردید اما وجود برخی ناکارآمدی‌ها و کاستی‌ها در حقوق مالی زوجه، موجب ایجاد مشکلاتی در مطالبه و دریافت این حقوق گردیده است به همین جهت تحلیل حمایت اقتصادی از زوجه و نقش کارآمدی حقوق مالی زوجه از جمله نفقه، مهریه، نحله و اجرت‌المثل در تحکیم و انسجام بخشی نهاد خانواده دارای اهمیت بسیار می‌باشد. به نظر می‌رسد قانونگذار ایرانی بدون توجه به کلیت و نظام مندی حقوق خانواده، نهادهای حمایتی مختلفی را ایجاد نموده است زمانی که نهادهای مزبور را زمینه‌یابی می‌نماییم، متوجه می‌شویم که بعضی از این نهادها ریشه در فقه اسلامی و سنت ایرانی دارد به مانند نهاد مهر و نفقه و بعضی حقوق دیگر از نظام‌های حقوقی غربی، علی‌الخصوص فرانسه مقتبس گردیده است مثل مقرری ماهیانه بعد از طلاق، علاوه بر موارد مذکور، حقوق مالی توسط قانونگذار ایرانی ابداع شده است که صرفاً ظاهری فقهی دارد ولی ریشه در فقه اسلامی و سنتی ایرانی ندارد این حقوق عبارت است از اجرت‌المثل کارهای زوجه و نحله.

از طرف دیگر، نهادهای حقوقی فوق‌کارکرد های یکسان و عملکردی موازی دارند. خانواده‌های ایرانی با علم به ریسک‌های مالی و غیر مالی زوجه در خانواده و پس از انحلال نکاح، چنین ریسک‌هایی را در قالب مهر

پوشش داده اند، ولیکن، میزان مهریه در جامعه ایرانی علی رغم توصیه های اخلاقی و مذهبی همچنان بسیار زیاد تعیین می گردد. وضعیت قانونی حمایت از خانواده سبب تورم حقوق مالی زوجه و عدم توازن در نظام مالی خانواده موجب شده است البته این به مفهوم بهتر شدن وضعیت حقوقی زنان ایرانی نیست چرا که عرف و رویه قضایی حقوق مالی زوجه را شدیداً تعدیل می نمایند. عرف، بعضی وظایف شوهر مانند تأمین اثاث خانه را به خانواده زن تحمیل و رویه قضایی مبالغه ناپذیری به عنوان نفقه زوجه تعیین می کند. مضاف بر اینکه، مقرری ماهیانه پس از طلاق متروک گردیده است. قانون نیز اجرای برخی حقوق زوجه را با موانع اجرایی محدود نموده است (حسین زاده و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۵۵ - ۱۳۵).

## ۲-۲- حمایت از زنان در قانون کار ایران

قوانین حمایتی از زنان در حوزه اشتغال به قانون کار بیشترین قرابت معنایی یافته است. و ماده ۷۵ و ماده ۷۷ بارزترین جلوه حمایت از زنان در اشتغال می باشد برای توضیح می توان بیان داشت که ماده ۷۵ قانون کار مقرر می دارد: انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است. فلسفه این ممنوعیت را باید در حمایت از زنان و نیز کوشش برای بالا نگه داشتن بازده کار جستجو کرد نه محروم نمودن و ممنوع کردن زنان از برخی مشاغل، چه انجام کارهای سخت و زیان آور که با قوای جسمانی، کارگر ارتباط مستقیم دارد. برای زنان، هرچند که از لحاظ نیروی دماغی در سطحی مساوی با مردان هستند، چون از نظر نیروی جسمانی به هر حال ضعیفتر از آنان می باشند، مناسب نیست و بسیار اتفاق افتاده که احتیاج مادی یک زن او را وادار به انجام کاری نموده که جسماً برای وی نامناسب است و لذا از این رو ماده ۷۵ قانون کار با ممنوعیت ارجاع کارهای خطرناک، سخت و زیان آور به زنان در واقع سعی کرده سدی در راه بهره برداری کارفرما از موقعیت بد اقتصادی کارگر ایجاد کند .



طبق ماده ۷۷ قانون کار، در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی، نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی، بدون کسر دستمزد باید کار مناسبتر و سبکتری ارجاع نماید. مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعا ۹ ماه است پس از پایان مرخصی زایمان کارگر زن به کار سابق خود باز می گردد و این مدت با تأیید سازمان تأمین اجتماعی جزء سوابق خدمت وی محسوب می شود. ( گلشنی و فرقانی، ۱۳۹۶: ۱۳۰)

بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار آنچنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد، را ضروری می نماید. در راستای توجه به این امر در اشتغال زنان طرح ریزی اشتغال نیمه وقت که برای زنان زمینه پرداخت به سایر ابعاد و نقشهای زندگی را فراهم می سازد. در قانون استخدام کشوری ذیل ماده قانون خدمت نیمه وقت بانوان (مصوب ۱۳۶۲/۹/۱۰) و ماده ۸۰ آئین نامه نحوه تشکیل و اداره آموزشگاه های فنی و حرفه ای آزاد بر اشتغال نیمه وقت برای نیروهای دائم و قراردادی تصریح شده است. (همان، ۱۳۱)

## ۲-۳- اجرت المثل ایام زوجیت و نحله در قانون حمایت از خانواده

اجرت المثل ایام زوجیت و نحله، از جمله حقوق مالی زوجه است که پرداخت آن به وی در صورت مطالبه در زمان طلاق، در شرع مقدس و قوانین موضوعه ایران پیش بینی شده است. اجرت المثل ایام زوجیت اجرتی شبیه اعمال انجام گرفته است که زوجه در قبال خدماتی که در منزل شوهر، به دستور وی و بدون قصد تبرع انجام داده است، دریافت می نماید. قانونگذار ایران در بند ب تبصره ۶ ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق

مصوب ۱۳۷۱، نحله را نوعی بخشش اجباری قلمداد کرده است که پرداخت آن در زمان طلاق از اموال زوج به زوجه صورت می‌گیرد. تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، و نسخ صریح بند الف تبصره فوق الذکر، تغییراتی مهم در خصوص استحقاق زوجه نسبت به اجرت المثل، ایجاد نموده است که بر این اساس، شرایطی از قبیل عدم درخواست طلاق از ناحیه زوجه، عدم تخلف زن از وظایف همسری و عدم وجود شرطی مالی ضمن عقد نکاح، هم اکنون لازم الاجرا نخواهد بود (حاتمی و زبرجد، ۱۳۹۴: ۵۹).

## ۲-۴- نوآوری‌های قانون حمایت خانواده در زمینه مقررات شکلی مرتبط با دعاوی خانوادگی

قانون جدید حمایت خانواده در عرصه مقررات شکلی ناظر بر دعاوی خانوادگی شامل نوآوری‌هایی است. بر اساس قانون جدید، برای رسیدگی مناسبتر به این دعاوی، قوه قضائیه به تشکیل دادگاه خانواده در حکم دادگاهی اختصاصی ملزم شده است. دادگاه‌های مزبور صلاحیت ذاتی ویژه داشته‌اند و صرفاً به دعاوی احصاشده در قانون می‌پردازند. درباره صلاحیت محلی نیز برای تسهیل اقامه دعوی از طریق بانوان ترتیباتی اندیشیده شده است. همچنین با توجه به ویژگی دعاوی خانوادگی برای قضات زن نقش بیشتری قائل شده است. همچنین اصل عدم لزوم تبعیت از تشریفات آیین دادرسی مدنی در این قانون احیا و تصریح شده است؛ البته در مواردی نیز برای تأمین مصالح خانوادگی تشریفات ویژه‌ای پیشبینی شده است. تأسیس مراکز مشاوره خانواده نیز از دستاوردهای مثبت قانون جدید است که ممکن است از برخی طلاق‌های مبتنی بر احساسات جلوگیری کند. البته نظرهای مراکز مزبور نافی اصل استقلال قضات نبوده، مراکز مزبور در حکم بازوی مشورتی دادگاه‌ها عمل می‌کنند. عملکرد مناسب مراکز مزبور که دستکم نیمی از اعضای آن الزاماً باید از میان بانوان متخصص انتخاب شوند، ممکن است در رسالت دادگاه‌های خانواده تأثیر مستقیم داشته باشد. به‌ویژه اینکه در مواردی مشارکت دادن مراکز مزبور الزامی است. درباره اجرای مناسبتر احکام صادرشده از دادگاه خانواده نیز

قانون جدید دربردارنده مقررات جدیدی است. در این میان، به لزوم وجود شرایطی برای اجرای برخی از احکام تصریح شده تا از سویی، اجرای احکام تسهیل شود و از سوی دیگر، اجرای زودهنگام رأی، تبعات نامطلوب اجتماعی به بار نیاورد. همچنین برای تأمین اجرای مطلوب احکام دادگاه‌های خانواده تضمین‌های مناسبی اندیشیده شده است. برای نمونه، برای فرهنگسازی درباره مهریه و نیز جلوگیری از فروپاشی نهاد خانواده بر اثر برخی اختلافات کم‌اهمیت، اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی محدود شده است. همچنین برای تضمین اجرای حکم حضانت، ضمانت اجرای بازداشت را پیشینی کرده است. هرچند نوآوری‌های مزبور تحسین برانگیز است، اما اجرای صحیح و مدبرانه مقررات مزبور اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا اجرا نشدن شایسته این دسته از مقررات ممکن است زمینه بروز برخی مشکلات جدید را فراهم آورد (قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۴: ۱۳۸).

## ۲-۵- مواد متضمن صیانت از حقوق زنان در قانون حمایت خانواده

صیانت از حقوق زنان در دادگاه خانواده و دعاوی خانوادگی بسیار مهم می‌نماید. تضمینات دادرسی منصفانه تنها معطوف به تشکیل دادگاه صالح نبوده بلکه برای اعمال همه‌جانبه نیازمند رعایت مواردی در تمامی مراحل دادرسی از زمان اقامه دعوا تا اجرای حکم می‌باشد. استفاده از قضات متعدد در صدور رای حائز اهمیت می‌باشد. کاهش اشتباهات و تصمیم‌گیری دقیق‌تر، استفاده قضات کم تجربه و جوان از فکر و اندیشه قضات دیگر، افزایش مصونیت قضات و کاهش اعمال نفوذ اشخاص، حصول اطمینان بیشتر مردم نسبت به احکام صادره از جمله محاسن قضایی شورایی است. در مقابل نیز مواردی از قبیل اطاله دادرسی و هزینه بر بودن از جمله معایب می‌باشد که به نظام تعدد قاضی وارد شده است. رویه استفاده از قاضی مشاور زن در رسیدگی و صدور رای صادره در دعاوی خانواده که در دادگاه خانواده مطرح می‌گردد می‌تواند گام موثری در راستای صیانت از حقوق

زنان در نهاد خانواده بردارد زیرا قضات مشاور زن درک نزدیک‌تر و بهتری از شرایط و مقتضیات حاکم بر زندگی زنان در محیط خانواده داشته و ضرورت کسب نظر قاضی مشاور زن در دادنامه می‌تواند فرآیند دادرسی را به دلیل استفاده از روش تعداد قضات به دادرسی منصفانه نزدیکتر نماید. در خصوص صلاحیت اختصاصی دادگاه خانواده لازم به ذکر است که طبق بند ۳ اصل بیست و یکم قانون اساسی لزوم تاسیس دادگاه اختصاصی خانواده و همچنین طبق ماده ۱ قانون حمایت خانواده به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی قوه قضاییه موظف است ظرف سه سال از تاریخ تصویب این قانون در کلیه حوزه‌های قضایی شهرستان به تعداد کافی شعبه دادگاه خانواده تشکیل دهد. دادگاه تخصصی به دعاوی مزبور افزون بر اینکه شرایط اعمال دادرسی عادلانه را تسهیل می‌کند می‌تواند در جهت صیانت از حقوق زنان گام‌های موثری را بردارد (پژوهی الموتی، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

از دیگر مواد قانونی که متضمن صیانت از حقوق زنان در قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ می‌باشد می‌توان به ماده ۱۲ قانون مزبور اشاره کرد مطابق با ماده مزبور در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوا کند مگر در مواردی که خواسته، مطالبه مهریه غیر منقول باشد. بنابراین اعطای امتیاز تعیین محل طرح دعوا به زوجه در راستای صیانت از حقوق زنان می‌باشد در فصل دوم از قانون حمایت خانواده مواد ۱۶ الی ۱۹ در خصوص مراکز مشاوره خانوادگی مطالبی مقرر شده است که می‌تواند سهم بسزایی در حمایت از حقوق زنان داشته باشد. همچنین مطابق با ماده ۲۰ قانون حمایت خانواده ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق و رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامی است. بر اساس بند ۲۷ منشور حقوق و مسئولیت زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ حق ثبت ازدواج و طلاق و رجوع به مراجع رسمی قانونی حقوق زنان است مطابق با ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده نظام جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرار

می‌دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است و ثبت آن در صورت باردار شدن زوجه، توافق طرفین و شرط ضمن عقد الزامی است. همچنین محدودیت حمایت قانون گذار از میزان مهریه، حق طلاق زن، شرایط ثبت طلاق و سایر موارد انحلال نکاح، نحوه رسیدگی به تقاضای طلاق توافقی، ارجاع به داوری در دعوی طلاق، لزوم تعیین تکلیف وضعیت شروط ضمن عقد و جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه زمان صدور رای طلاق، امکان مطالبه معادل مال مصروف زوجه، حق حضانت زن، حق نفقه زن، کیفیت و نحوه تقسیم حقوق وظیفه یا مستمری زوج متوقف بر زوجه قانونی در راستای صیانت از حقوق زنان می‌باشد.

در نظر گرفتن ضمانت اجرای کیفری خاص برای احکام و مقررات مندرج در قانون مزبور در راستای حفظ حقوق زنان بسیار مثمرتر می‌باشد. پاره‌ای از مقررات کیفری قانون مزبور نظیر مجازات مقرر در خصوص جرم ترک انفاق و عدم انجام تکالیف مقرر از سوی مسئول حفاظت طفل پیش بینی شده است. لزوم ثبت ازدواج به منظور برخورداری زنان از حقوق قانونی، لزوم رعایت حداقل سن ازدواج، لزوم اجازه مخصوص دولت در ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی، ضمانت اجرای انکار غیر واقعی رابطه زوجیت و لزوم صدور حکم دادگاه در خصوص ازدواج مجدد مرد از موارد دیگر صیانت از حقوق زنان در قانون حمایت از خانواده می‌باشد (همان، ۱۴۳).

## ۲-۶- میزان و نقش باورهای مذهبی در حمایت از حقوق زنان در قانون حمایت از خانواده

هرچند اسلام شدیداً مخالف تبعیض علیه زنان است اما از برابری مطلق آنان جانبداری نمی‌کند. طبیعت، زن و مرد را به صورت موجودات مکمل یکدیگر در زندگی و جامعه آفریده است به همین دلیل برخلاف تمدن غرب اسلام به زنان و مردان حقوق طبیعی آنها را بخشیده نه حقوق مشابه. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست با تشابه حقوق آنها مخالف است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منزلت والایی برای زن

قائل شده است و در همین ارتباط دولت را موظف نموده است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و به تامین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و تساوی امور در برابر قانون تاکید شده است. با توجه به موازین اسلامی حاکم بر کشور، قانون جدید حمایت از خانواده که در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسیده از جهت حمایت از حقوق زنان سه ماده مهم را احصا کرده است.

از ایرادات مطروحه در قانون جدید ماده بحث‌برانگیز ۲۲ قانون حمایت خانواده می‌باشد. ماده‌ای که در ذهن مردم به شکل خاص مهریه را تا ۱۱۰ سکه بهار آزادی می‌شناسد. طبق ماده ۲۲ هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد وصول آن مشمول ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملاحظه می‌گردد تا ۱۱۰ سکه تمام بهار مشمول ماده ۲ و بیش از آن نیاز به اثبات ملائت و دارا بودن زوج است. ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که در آن مجازات حبس برای کسانی که قادر به پرداخت مال مورد بدهی خود نیستند در نظر گرفته است در سال‌های گذشته همواره ابزار و اهرم فشاری برای طلبکاران مالی در مسائل خانواده برای پرداخت مهریه بوده است. به نظر می‌رسد ماده ۲۲ قانون جدید مشکلی را حل ننماید چرا که اصلاح ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که در مرداد ماه ۹۱ توسط رئیس قوه قضاییه ابلاغ و اجرا می‌گردد اصل به عدم امکان حبس زوج است مگر زوج توانایی او را اثبات نماید. طبق بند ج ماده ۱۸ در سایر موارد چنانچه ملائت محکوم علیه نزد قاضی دادگاه ثابت نباشد از حبس وی خودداری و چنانچه در حبس باشد آزاد می‌شود اگرچه در این زمینه در محاکم رویه یکسانی وجود نداشته و بعضی به دلیل مخالفت این بخشنامه با قانون به آن عمل نمی‌کنند اما این بخشنامه اجرای غالب احکام قطعی دعاوی مالی را متزلزل نموده و حتی در زمینه ماده ۲۲ قانون جدید حمایت نیز قابل اعمال است و می‌توان به آن استناد کرد. بنابراین همانگونه که ذکر گردید

ماده ۲۲ قبل از لازم الاجرا شدن عملاً فاقد کارآیی لازم شده است و ۱۱۰ سکه نیز نمی‌تواند به این امر انسجام خاص دهد اما در پایان می‌توان این قانون را جزء قوانین با کارنامه خوب دانست چراکه در آن به دردهای موجود در اجتماع و خانواده پرداخته است و سعی در پاسخگویی و ایجاد راهبرد در مشکلات و معضلات اجتماعی دارد.

از جمله مباحث بحث برانگیز در جامعه و مجلس ماده ۲۱ قانون جدید بود که در آن به بحث نکاح موقت اشاره دارد. در این ماده ثبت ازدواج موقت در سه مورد الزامی شناخته شده است: ۱- بارداری شدن زوج ۲- توافق طرفین ۳- شرط ضمن عقد. اگر چه قانونگذار تلاش نموده تا بستن نکاح موقت را ساماندهی کند اما به نظر می‌آید به دلیل اعتراضات فراوان به مقصود خود نائل نیامده است. ممنوعیت مرد از داشتن همسر دوم در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ و تجویز رسمی علنی و قانونی در قانون حمایت از خانواده ۹۱ برابر ماده ۱۶ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ مرد نمی‌توانست با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در صورت رضایت همسر اول، عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی، عدم تمکین زن از شوهر، ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج، محکومیت زن به ۵ سال حبس قطعی، ابتلاء زن به هرگونه اعتیاد مضر، ترک زندگی خانوادگی از طرف زن، عقیم بودن زن، غایب مفقودالاثراثر شدن زن. همچنین طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۷ قانون یاد شده هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنحه‌ای از ۶ ماه تا یک سال محکوم می‌گردد. این مجازات مشمول عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید نیز می‌شد اما در قانون جدید نه تنها الزام و تکلیف بازدارنده مزبور بنا به دلایل نامعلوم و به کلی حذف گردید بلکه با ابداعی تدوین‌کنندگان آن، مردم می‌توانند نسبت به ثبت ازدواج موقت خویش در صورت وجود شروط مقرر در ماده ۲۱ و یا عدم الزام به ثبت آن در صورت فقدان وجود موارد مزبور اقدام کرده و بدون رعایت الزامات موضوع مبادرت به ازدواج موقت نمایند. بدین ترتیب ازدواج موقت صرف الزام به ثبت آن یا عدم الزام به ثبت آن با فرض فقدان وجود موارد

مزبور با حذف عملی مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ و حذف عملی و عینی کلیه حمایت‌های قانونی مقرر نسبت به زن، همسر اول و ایجاد امکان عملی تعدد زوجات موقت بدون وجود الزامات مزبور و ترویج عینی تعدد زوجات به ترتیب موصوف برابر قانون اخیر رسمی، قانونی و مجاز شمرده شده است. بی‌آنکه قانون‌گذار کنونی به تبعات حاصل از گسترش فراگیر ازدواج موقت در بین مردان و آثار حاصل نسبت به خانواده‌ها و روابط زوجین فعلی و سرنوشت زنان و فرزندان آنها و نیز تضمین سلامت آنها و آثار پیدا و پنهان آن بر فرهنگ و سلامت جامعه و بروز ناهنجاری‌های متعدد حاصل از آن برخلاف الزامات قانونی مقرر در قانون اساسی و قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ توجهی نموده باشد (نکویی مهر و حسینی فر، ۱۳۹۷: ۲۱۲-۱۹۹).

### ۳- خلا سیاست‌گذاری حوزه خانواده در ایران

در ذیل این عنوان برخی از نواقص و خلاءهای موجود در قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۹۱ را بیان کرده و خلاءهای موجود در خصوص زنان سرپرست خانوار را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۳-۱- نواقص و معایب موجود در اعمال حقوق زنان در قوانین حمایت خانواده

- عدم پیش‌بینی صلاحیت دادگاه خانواده در رسیدگی به جرایم خانوادگی
- عدم پیش‌بینی موارد قابل تجدیدنظر در احکام دادگاه خانواده
- عدم پیش‌بینی برگزاری علنی یا غیرعلنی جلسات رسیدگی دادگاه خانواده
- عدم پیش‌بینی در خصوص اخذ تامین قانونی لازم در موارد فوری
- عدم پیش‌بینی ضرورت ارائه گواهی عدم بارداری از سوی پزشکی قانونی



- عدم پیش بینی موارد جواز زوجه در ازدواج مجدد
- عدم پیش بینی نحوه درخواست اذن ازدواج از دادگاه
- عدم پیش بینی ضمانت اجرایی کیفری ازدواج مجدد زوج بدون اخذ اجازه از همسر اول یا اذن دادگاه
- عدم پیش بینی موارد الزام به داشتن وکیل در دعاوی خانوادگی
- عدم پیش بینی برخی ضرورت‌های اجتماعی و حقوق خانواده
- عدم پیش بینی وضعیت نفقه کودکان ناشی از روابط نامشروع
- تعارض در شمول یا عدم شمول قانون آیین دادرسی مدنی در دعاوی خانوادگی
- وجود ابهام در مفاهیم برخی از واژگان و عدم تعریف آنها
- عدم الزام به ثبت ازدواج موقت در غیر از موارد سه‌گانه مقرر در ماده ۲۱
- تجویز عملی توافقات مضر نظام خانواده و جامعه برای زوجین جوان
- ابهام در خصوص صلاحیت دادگاه خانواده راجع به برخی مطالبات زوجه
- عدم نسخ قانون حمایت خانواده سال ۵۳ و وجود تعارضات میان قانون مزبور و قانون جدید (پژوهی الموتی، پیشین، ۱۴۸).

### ۲-۳- خلائای قانونی در خصوص زنان سرپرست خانوار و سالمند

در سند چشم‌انداز بیست ساله تصویر آینده جامعه دلخواه ایران به صورت زیر آمده است:

«جامعه برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب».

قطعاً حصول این مهم بدون در نظر گرفتن نیمی از افراد جامعه که زنان هستند و بدون توجه به نیازهای آنان حاصل نمی‌گردد. بعد از انقلاب اسلامی خانوارهای زن سرپرست همواره مورد توجه قوانین بوده‌اند. این موضوع زمینه قانونی و حقوقی مناسبی را برای پاسخگویی به مسائل و نیازهای این گروه در کشور فراهم آورده است. دو سازمان حمایتی اصلی که شامل کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی می‌شود در کنار سازمان‌های متولی دیگر همچون معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارت تعاون، وزارت کار و رفاه اجتماعی به ارائه خدمات به زنان سرپرست خانوار می‌پردازند. با این تفاوت که تمرکز سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد بر پرداخت مستمری‌های ماهیانه و خدمات درمانی، بیمه بازنشستگی، آموزش، ایجاد اشتغال و ... متمرکز است. اما فعالیت معاونت و سازمان‌های مذکور بیشتر بر تهیه برنامه، تدوین و پیگیری تصویب مقررات حمایتی متمرکز است. در کنار حمایت‌های سازمانی نباید از نظر دور داشت که خوداشتغالی می‌تواند به عنوان راهکار مفیدی، از جمله راهکارهای ضروری برای آماده‌سازی زنان خودسرپرست در برابر مشکلات مختلف، مخصوصاً مشکلات فکری، عاطفی و روانی باشد، لذا در این زمینه دولت بهتر است طرح ساماندهی زنان سرپرست خانوار خوداشتغال را به اجرا گذارد. با توجه به رشد روزافزون خانوارهای زن سرپرست، و تغییرات شکل‌شناسی این خانواده‌ها به عنوان مثال پایین آمدن سن زنان سرپرست خانوار، این واقعیت که سهم طلاق در عهده گرفتن سرپرستی در حال افزایش است و آمار رو به رشد مجرد مطلق باید سیاست‌های کلان حوزه خانوارهای زن سرپرست بازنگری گردد. همچنین لازم است برنامه ملی زنان سرپرست خانوار تدوین شود. این موضوع نیازمند

همدلی قوای سه گانه و همچنین تمام سازمان‌های متولی امر زنان سرپرست خانوار، بی‌سرپرست و بدسرپرست می‌باشد.

از قوانین حمایتی این حوزه انتظار می‌رود تا دارای سمت‌گیری به سمت استقلال این زنان و خروج آنان از چرخه معیوب حمایت از طریق برنامه‌های توانمندسازی از جمله آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، حمایت از مشاغل خوانگی، اعطای وام و تسهیلات، مهارت‌آموزی و فراهم کردن زمینه کارآفرینی پیش روند. با توجه به آمار موجود سال ۱۳۹۵، سهم زنان سرپرست خانوار در تمام استان‌ها (غیر از کردستان با ۵ / ۹ درصد) بیش از ۱۰ درصد است هرچند استان سیستان و بلوچستان با ۶ / ۱۶ درصد بیشترین درصد خانوارهای زن سرپرست و استان‌های خراسان جنوبی و خراسان رضوی با ۴ / ۱۳ درصد خانوار زن سرپرست در رتبه‌های بعد قرار دارند. این موضوع لزوم تدوین برنامه‌ها و طرح‌های استانی با توجه به بافت فرهنگی اجتماعی و شرایط اقتصادی همان استان را می‌رساند. باید در ویژگی‌های زن سرپرستی استان‌های مختلف دقیق شد تا بتوان الگوی استانی مربوط به این پدیده را استخراج و در اختیار سازمان‌های متولی امر برنامه‌ریزی قرار داد. شتاب افزایش میزان طلاق، سیر جمعیت به سوی سالمندی، پایین آمدن سن زنان سرپرست، وضعیت سوادی خانوارهای زن سرپرست، افزایش تصادفات جاده‌ای، عدم دریافت مهارت‌های کنترل استرس و حل مسئله، عدم تاکید سیستم آموزش و پرورش بر توانمندسازی روحی، فرهنگی و حقوقی افراد، افزایش مصرف مواد مخدر و افزایش اطلاق جرم و مجازات زندان برای انواع مختلف خلافکاری‌ها در کنار آسیب‌پذیری اقتصادی خانوارهای زن سرپرست به ما یادآوری می‌کنند که جهت کاهش معضلات این خانوارها نیاز به یک عزم ملی و بسیج منابع می‌باشد که تنها با در نظر گرفتن برنامه‌های جامع، توانمندکننده و قوانینی که دارای تضمین اجرای قوی و ایده برون رفت از چرخه حمایت‌های

مالی را دارند می‌توانند گام موثری در خدمت به این گروه از زنان و همچنین جامعه بردارند (باقری، ۱۳۹۸):

(۱۳۸).

## نتیجه گیری

افزون بر حقوق و تکالیفی که برای زنان در محیط اجتماع به لحاظ شهروندی بودن از سوی قانونگذار در نظر گرفته شده است، این قشر از افراد جامعه پس از ازدواج و تشکیل خانواده نیز، دارای یک سری از حقوق مختص به خود می گردند. به بیانی دیگر، میتوان اذعان داشت که زنان به واسطه حضورشان در نهاد خانواده دارای یک سری از حقوق و تکالیف می شوند. حقوق مزبور در نظام حقوقی ایران از دیرباز مورد توجه قانونگذار مجالس مختلف قانونگذاری قرار گرفته است. قوانین و مقرراتی همچون قانون مدنی در سال ۱۳۰۷، قانون ازدواج در سال ۱۳۱۰ و ... را میتوان قوانینی دانست که در مفاد خود بصورت پراکنده به حقوق زنان توجه داشته و حوزه‌هایی از آن را مورد حمایت قرار داده‌اند. با تصویب نخستین قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۴۶، قانونگذار طی ماده ۲۳، بطور خاص به مسأله حقوق زنان در نهاد خانواده پرداخت، به نحوی که قانون مزبور توانست در حوزه‌هایی همچون طلاق، منع اشتغال زن و ازدواج مجدد، اختیار مرد را محدود سازد. مضافاً آنکه موارد طلاق به درخواست زن را افزایش دهد. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ در نظام حقوقی ایران عمر چندانی نداشت؛ چراکه با تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۳ در ماده ۲۸ و ۱۰ تبصره و با توجه به مقررات مندرج در ماده ۲۸ قانون مزبور، منسوخ گردید. به طور کلی میتوان اذعان داشت که انگیزه اصلی تصویب قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳، حمایت بیشتر از حقوق زنان در نهاد خانواده بوده است. قانون مزبور در راستای حمایت از حقوق زنان در حوزه‌های مهمی دچار تغییر و تحول گردید. مواردی از جمله: گسترش موارد درخواست طلاق توسط زن و محدود کردن موارد طلاق توسط مرد، محدودیت مرد برای تعدد زوجات، اختیار زن در منع اشتغال شوهر، بالا بردن سن قانونی ازدواج و تعیین حضانت اطفال در صورت جدایی والدین را میتوان از زمره این تحولات دانست.

با وقوع انقلاب در کشور ایران، ضرورت پرداختن به قوانین حمایت خانواده که برخوردار از پشتوانه عمیق فقهی و حقوقی بوده و همچنین متناسب با شرایط جامعه اسلامی و مقتضیات زمان باشد بیش از پیش احساس می‌شد. تا اینکه لایحه حمایت خانواده به پیشنهاد قوه قضاییه در جلسه هیأت دولت در تیر ۱۳۸۶ تصویب و به مجلس ارسال شد. بخش‌هایی از این قانون مورد انتقاد فعالان سیاسی و اجتماعی به جهت تضعیف نمودن نهاد خانواده و مغایرت داشتن با قانون اساسی قرار گرفت، اگرچه از بخش‌های از قانون مزبور به عنوان اقدامات مثبت حمایت نمودند. سرانجام لایحه مزبور طی فراز و فرودهای بسیار با اعمال اصلاحات متعددی در اسفند ماه ۱۳۹۱ به تأیید شورای نگهبان رسید و رسماً تبدیل به قانون گردید. قانون مزبور ابتکارات و نوآوری‌هایی را در راستای حمایت از حقوق زنان به ارمغان آورد که از جمله موارد مهم آن می‌توان به: استفاده از سیستم تعدد قضات، الزام به حضور قاضی مشاور زن، ایجاد صلاحیت‌های جدید دادگاه خانواده، ایجاد مراکز مشاوره، تعیین سقف برای ضمانت اجرای کیفری مهریه، الزام به ثبت ازدواج موقت، تغییر در وضعیت داوران منتخب زوجین، اختصاص دادن فصلی مجزا به مقررات کیفری، تعیین حقوق وظیفه و مستمری برای زنان و ... اشاره نمود.

میتوان ادعان داشت که با توجه به شیوه نگارش ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱، و عدم اشاره به نسخ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳، قانون مزبور در مواردی که با قانون سال ۹۱ در مغایرت نباشد، قابلیت استناد را دارا می‌باشد. عدم پیشبینی صندوق حمایت خانواده در قانون سال ۹۱، ممنوعیت مرد از داشتن همسر دوم در قانون سال ۵۳ و تجویز رسمی و قانونی در قانون ۹۱، تعدیل نقش و اهمیت نهاد داور، عدم تعیین مصادیق و موارد قطعیت احکام دادگاه‌های خانواده، تعیین سقف نسبت به مهریه و آثار آن به لحاظ ضمانت اجرا، تمایز میان طلاق توافقی و ترافعی، افزایش صلاحیت‌های موضوعی دادگاه خانواده و همچنین اختصاص دادن فصلی مجزا به مقررات کیفری در قانون سال ۹۱ را می‌توان از اهم تفاوت‌های بنیادین میان دو قانون مزبور

برشمرده. با وجود رفع نواقص و ابهامات در طی فرآیند تدوین تا تصویب قانون حمایت خانواده سال ۹۱ طی سالهای ۸۶ تا ۹۱، قانون مزبور به جهت اجراء با توجه به مقتضیات موجود جامعه با نواقص و خلاهای متعددی به لحاظ عدم پیشبینی، وجود تعارضات و ابهامات روبرو می‌باشد که صیانت حداکثری از حقوق زنان در نهاد خانواده را با چالش مواجه می‌نماید. اگرچه میتوان اذعان داشت که روند قانونگذاری در حوزه تدوین و تصویب قوانین حمایت خانواده و به تبع آن حقوق زنان در نهاد خانواده، حرکت رو به رشد و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای را دنبال نموده است.

### پیشنهادات و راهکارها

به طور کلی پیشنهادات و راهکارهای این پژوهش را میتوان در دو حوزه مطرح نمود:

نخست؛ تعیین دادگاه خانواده به عنوان مرجع صالح در رسیدگی به کلیه شکایات مربوط به امور و دعاوی خانوادگی؛ از آنجایی که دادگاه خانواده صلاحیت رسیدگی به تمامی دعاوی با ماهیت امور و اختلافات خانوادگی را ندارد، و صلاحیت آن محدود به موارد ۱۸ گانه مذکور در ماده ۴ قانون حمایت خانواده سال ۹۱ می‌باشد، به نظر می‌رسد بهتر است با توجه به کارکرد تخصصی دادگاه مزبور، رسیدگی به تمامی دعاوی و امور خانوادگی از جمله مقررات کیفری، به صراحت در صلاحیت دادگاه خانواده قرار گرفته که این امر می‌تواند با اصلاح قانون حمایت خانواده سال ۹۱ از طریق افزایش حدود صلاحیت و اختیارات دادگاه مزبور محقق گردد. البته در همین راستا ضرورت استفاده از کادر قضایی و اداری متخصص در رابطه با دعاوی و امور مزبور نیز وجود دارد.

دوم؛ ضرورت رفع نواقص و ابهامات موجود قانون حمایت خانواده سال ۹۱:

قانون حمایت خانواده سال ۹۱ در حوزه‌های متعددی دچار خلاءها و ابهامات می‌باشد. به جهت صیانت حداکثری از حقوق زنان لازم است نواقص و ابهامات موجود با اصلاح مواد قانون حمایت خانواده سال ۹۱ مرتفع گردد. در راستای این امر مهم می‌بایست از نظر اندیشمندان و علمای رشته‌های مختلفی همچون روانشناسی، جامعه‌شناسی و ... بهره جست تا به قوانین جامع‌تر و کم نقص‌تری در خصوص حقوق زنان در نهاد خانواده دست یافت. برای نمونه صرف تعیین یا حذف مجازات کیفری برای مسأله مهریه نمی‌تواند حمایت موثری از زنان در نهاد خانواده را محقق سازد و از طرفی کیان خانواده را توأم با فضای آکنده از مهر و محبت نیز حفظ نماید.



## منابع و مأخذ

### کتب

۱- اجتنابی، مریم، (۱۳۹۸)، تأثیر بزه دیده شناسی در رفعه خشونت علیه زنان، تهران: انتشارات

### قانونیار

۲- تهرانی، محمد صادق (۱۳۹۲)، نگرشی جدید بر حقوق بانوان در اسلام، تهران: انتشارات

### امید فردا

۳- قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱

۴- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷

۵- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶)، نظم حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا

۶- میر خلیلی، سید احمد (۱۳۷۸)، زن در حقوق خانواده، فصلنامه کتاب نقد

### مقالات

۷- افروز، ریحانه (۱۳۹۶)، ارزیابی و تحلیل حقوقی جایگاه زنان در قانون جدید حمایت از

خانواده با رویکرد حقوق بشر، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال دوم، شماره ۷،

صص ۵۹-۱۰۴

۸- حاتمی، علی اصغر؛ زبرجد، سیده فاطمه (۱۳۹۴)، اجرت المثل ایام زوجیت و نحله با نگرشی

بر قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره

هفتم، شماره اول، صص ۵۹-۹۸

۹- حسین زاده، جواد؛ حسینی، وحیده سادات(۱۳۹۸)، *تحلیلی نوین بر حمایت اقتصادی از زوجه*

در قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۸۸، صص ۱۵۸-۱۳۵

۱۰- حسینی، سیدحسن؛ عزیزی، مینا(۱۳۹۵)، *بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده*

در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۳۴-۷

۱۱- قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی؛ محسنی، سعید(۱۳۹۴)، *نوآوری‌های قانون حمایت خانواده*

مصوب ۱۳۹۱ در زمینه مقررات شکلی مرتبط با دعاوی خانوادگی، *پژوهش‌نامه زنان*، پژوهشگاه

*علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۱۹

۱۲- گلشنی، ابوزر؛ فرقانی، سیدهاشم (۱۳۹۶)، *مطالعه اشتغال زنان در اسناد بین‌المللی و حقوق*

ایران، *ماهنامه پژوهش ملل*، دوره ۲، شماره ۲۴، صص ۱۲۷-۱۴۹.

۱۳- نکویی مهر، نفیسه؛ حسینی فر، عاطفه(۱۳۹۷)، *واکاوی میزان و نقش باورهای مذهبی در*

*حمایت از حقوق زنان با محوریت قانون حمایت از خانواده*، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌*

*های اعتقادی-کلامی*، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۲۱۳-۱۹۹

پایان نامه‌ها

۱۴- باقری، روح الله (۱۳۹۸)، بررسی قوانین مرتبط با زنان سرپرست خانوار و سالمندان و

شناسایی خلأهای قانونی، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آموزش عالی

علامه فیض کاشانی

۱۵- پژوهی الموتی، مهدی (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی حقوق زنان در قوانین حمایت خانواده

مصوب سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد تهران مرکزی

## **Abstract**

Women, as members of the family institution, enjoy a range of rights and responsibilities. Although in the past, women's rights were not given due attention in the family institution and in accordance with the high personality of women, but at this time, due to the widespread demands and struggles of women and women's rights movements, the issue of protection of women's rights It has made significant progress compared to the past. The religion of Islam, as the most complete religions, gave true and legal independence and personality to women who have been deprived of their natural and human rights throughout history and human societies, and their false and natural rights were recognized in the institution of the family. Among the laws that have been formulated and approved specifically regarding the protection of women in the family institution, we can mention the Family Protection Laws of 46, 53 and 91. Each of these laws in the field of protection of women's rights in the family institution have been able to bring innovations. The Family Protection Act of 1953, despite innovations that provided more protection for women's rights in the family institution, could not provide effective protection of women in the family institution due to existing shortcomings and challenges. Until the enactment of the new Family Protection Law in 1991, the legislator was able to consolidate and accelerate the growing process of protection of women's rights in the family. Although the new Family Protection Act has shortcomings and legal loopholes in some areas, it has been able to protect more aspects of women's rights than previous laws.

**Keywords:** protection laws, legal gaps, family rights, women

**Title:**

**Review of family protection laws and legal gaps in the field of women and family**

**By:**

**Zeynab Aslani**

**Winter 2022**